



علی محمدی / ایران

وقوع نیبوند، اعتماد از بین می‌رود. پس در زمان بروز ناسازگاری زمانی، ارزش‌های ذهنی اقتصادی تغییر می‌کند و قیمت‌ها نیز دچار تغییر می‌شوند.

امروزه می‌بینیم که در مورد بسیاری از مسائل یا سیاست‌گذاری‌ها با اهداف محقق نشده یا متفاوت از آنچه که گفته شده، عمل شده است. در نتیجه رفتار دولت نیز بر ارزش‌های جامعه تأثیرگذار شده و قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

● اشاره کردید که بخشی از تورم اقتصادی، به انتظارات بازمی‌گردد. آیا راهکاری وجود دارد که یک لنگر انتظاراتی ایجاد و انتظارات را کنترل کنیم؟

در مدل‌های مبتنی بر انتظارات عقلایی، از آنجایی که افراد رفتار خود را به سرعت براساس انتظارات از آینده تنظیم می‌کنند، سیاست‌گذاری‌ها مؤثر نمی‌شود. بنابراین اگر دولت می‌خواهد سیاستی را اعمال کند، باید به نحوی عمل شود که مردم هنوز انتظارات‌شان شکل نگرفته باشد. پس اگر انتظارات از قبل شکل گرفته باشد، نمی‌توانیم سیاست‌های خود

فرصت‌هایی که برای آنها به وجود می‌آید، استفاده کنند. اما بحث دیگر تثبیت قیمت‌ها است که برای رشد سرمایه‌گذاری و تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی بسیار ضروری است. در تجارت نیاز داریم که بدانیم این کالا را در آینده با چه قیمتی مبادله یا معامله کنیم. فرض کنید شرکتی تولیدکننده خودرو باشد و نیاز به ورق فولادی داشته باشد. این شرکت می‌خواهد ۶ ماه دیگر این کالا را دریافت کند، اما تا آن زمان ممکن است قیمت‌ها تغییر کند. شرکت می‌خواهد برای ۶ ماه دیگر برنامه‌ریزی کند و بداند که امروز باید با چه قیمتی این ورق را خریداری کند.

یک راه این است که ما بازارهای مالی را گسترش دهیم و اوراق و قراردادهای آتی مورد نیاز برای پوشش ریسک قراردادها را در اختیار فعالان اقتصادی قرار دهیم. اگر بازارهای مالی و ابزار مالی توسعه یافته در این رابطه را ایجاد کنیم، شرکت خریدار ورق فولادی وارد بازار می‌شود و قراردادی را که مبتنی بر تحویل فیزیکی این کالا باشد خریداری می‌کند، هرچه این ورود و خروج افزایش یابد و بتواند سریع‌تر و گسترده‌تر صورت پذیرد، قیمت‌ها عادلانه‌تر کشف می‌شود. ولی در این بین یک سری افراد نیز از تغییرات این نوسانات و آریبترهایی که صورت می‌پذیرد، سود می‌کنند.

در هر بازار مالی حدوداً پنج درصد معامله‌گران به این انگیزه فعالیت می‌کنند و در بلندمدت عایدی جمع معاملات آنها نزدیک به صفر است. پس اگر بخواهیم خیلی بد به این معامله‌گران نگاه کنیم باز هم برای ما خسارت‌بار نیستند و در مجموع می‌توان گفت حضور آنها لازم است. البته باید دقت کنیم که نسبت معاملات اینچنینی به کل معاملات بازار افزایش نیابد.

نکته‌ای که در مورد نرخ ارز قابل ذکر است، اینکه ما در سیاست‌گذاری نگاه منفی به بازارهای مالی داریم و این بازار را به شکلی ترسیم می‌کنیم که

گویا فعالان این بازار قصد دارند بدون انجام کار، از فرصت‌ها برای کسب سود استفاده کنند، در حالی که این نگاه خطاست. نرخ ارز در بازار ایران یک پدیده بسیار مهم است. نخست اینکه اقتصاد ایران جزو اقتصادهای باز شناخته می‌شود و در یک اقتصاد باز، سیاست‌های پولی نسبت به سیاست‌های مالی بسیار مؤثرتر هستند و وقتی شما در چنین اقتصادی قرار داشته باشید، دولت و سیاستگذار پولی یعنی بانک مرکزی دو کار می‌تواند و باید انجام دهد. یعنی باید تثبیت نرخ ارز را داشته باشد و بازارهای مالی خود را گسترش دهد.

● چرا باید نرخ ارز را ثابت یا قابل پیش‌بینی کند؟

زیرا به عنوان یک وظیفه اجتماعی و ذاتی برای بانک مرکزی تعریف شده است. وقتی یک تاجر می‌خواهد تجارت کند، باید بداند که نرخ خارجی خود را در سه ماه آینده با چه نرخ و چه مقداری خریداری می‌کند. راهکار دوم این است که باید بازارهای مالی خود را در این زمینه توسعه دهیم. با وجود اینکه درصدی از افراد در این بازارها به انگیزه سفته‌بازی ورود می‌کنند، عموماً افراد چنین انگیزه‌ای ندارند و مزایای آن بیشتر است.

پس نیاز است که در راستای تثبیت نرخ ارز و نیز توسعه بازارهای مالی خود قدم برداریم و اگر این مقوله را جدی نگیریم، مطمئناً با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو خواهیم شد که ما در گذشته نیز با این مشکلات مواجه شدیم.

پیگیری سیاست‌های تثبیت نیز به نوبه خود برای دولت هزینه‌زا خواهد بود، زیرا ما اقتصادی داریم که تورم در آن شکل گرفته است، به علاوه اینکه تحریم‌ها باعث شده دسترسی به بازارهای ارزی نیز کم شود.

پیشنهاد بنده به دولت و بانک مرکزی در شرایط کنونی این است که حتماً برای ایجاد بازار ارز اقدام کنند، اما نه بازار ارزی که در آن صرفاً مبادلات

ارزی اتفاق بیفتد، زیرا مهم‌تر از خود مبادلات، وجود آپشن‌ها و فیوچرها در این بازار است. یعنی اگر بازار ارزی ایجاد کنیم که ابزار مشتقه در آن وجود نداشته باشد، ما نمی‌توانیم آن کارایی مورد نیاز را از بازار به دست آوریم. اگر در ایران بازار غیررسمی شکل می‌گیرد، به دلیل آن است که بازارهای رسمی با هدف بهبود تخصیص به تولیدکنندگان بخش خصوصی شکل گرفته و دولت این بازار را برای مدیریت تخصیص منابع و نیازهای خودش شکل می‌دهد.

● در کنار توجه به توسعه بازارها، بانک مرکزی چه سیاست‌هایی را باید در پیش گیرد و چه اصلاحاتی را در چه مواردی باید به‌طور همزمان پیش ببرد؟

در ابتدا باید قبول کنیم که در ایران با یک اقتصاد باز روبه‌رو هستیم و نمی‌توانیم در چنین اقتصادی، سیاست‌های مالی اعمال کنیم و در اینجا سیاست‌های پولی مقدم‌تر است، پس در ابتدا باید بستر را بشناسیم.

دوم باید پذیرفت که در یک اقتصاد، لزوماً صادرات خوب نیست و واردات نیز مخرب نخواهد بود. ما در اقتصاد براساس هزینه و فرصت تصمیم می‌گیریم و نیاز است تا در مورد شیوه صادرات و واردات تجدیدنظر صورت پذیرد. باید به مزیت‌های نسبی خود توجه کنیم و آنها را بشناسیم و براساس آن تجارت خود را شکل دهیم. پس دوم توجه به مزیت‌ها و توان اقتصادی ایران است.

سوم قوانین است. یکی از مشکلات ما در اقتصاد، قوانینی است که در بحث تجارت داریم. البته قوانین موجود به نسبت پیشرفته است، اما در بین مجموعه قوانین ما، بخش‌هایی مانند قانون کار و قانون تأمین اجتماعی را داریم که در بحث‌های توسعه‌ای

به ما کمک نمی‌کند. قانون کار ما کاملاً

نیاز به تجدیدنظر دارد. برخی مواقع در قوانین اتقدر از چیزی حمایت می‌کنیم که باعث می‌شود آن بخش از کارایی خارج شود. مثلاً در مورد زنان اتقدر در قوانین حمایت می‌شود که یک کارفرما ترجیح می‌دهد خانمی را استخدام نکند یا اگر استخدام می‌کند با حداکثر محدودیت‌ها استخدام شود. قانون تأمین اجتماعی روی هزینه‌ها فشار ایجاد می‌کند و قوانین مالیاتی در بخش هزینه‌ها، کارفرما را با مشکل مواجه می‌کند.

بحث چهارمی که در نظام اقتصادی ایران مشکل ایجاد می‌کند، ساختار مالیاتی کشور است. یکی از بزرگترین مشکلات در این بخش است. در ایران مالیات‌ها رضایتمندانه پرداخت نمی‌شود. یکی از این مشکلات در اینجا تنوع مالیاتی است. سیاستگذار ما فکر می‌کند هر مسأله‌ای را می‌تواند با نظام مالیاتی یا تسهیلات حل کند.

مشکل دیگر در ایران، اتکای بیش از حد به بخش تولید است. اما مهم‌ترین مسأله در هر بازاری فروش است. در قوانین از روش‌ها و نوآوری‌ها در فروش حمایت نمی‌شود و خیلی از ساختارهای تقویت‌کننده بخش فروش و توسعه بازار، حتی جرم‌انگاری می‌شود.

تسهیلات تکلیفی بر نظام تخصیص ما اثرگذار می‌شود و بخش پولی را معیوب می‌کند و مالیات بر بخش تولید ما اثر می‌گذارد.

همچنین در ایران به دلیل اینکه بازارهای مالی خود را توسعه ندادیم، بانک‌ها وظیفه تأمین مالی بلندمدت پروژه‌های اقتصادی را متقبل شده‌اند و این نیز برای ما معضلات زیادی ایجاد کرده است.

به دولت و بانک مرکزی پیشنهاد دارم، اهداف بیان شده را در مسیر اصلاح خود قرار دهد، چرا که حتماً به نتیجه مطلوب خواهد رسید و شاهد ارزشمندتر شدن و افزایش سرمایه اجتماعی و رشد و رونق اقتصاد ایران خواهد شد.



چگونه بازار سیاه شکل می‌گیرد؟

در مورد قیمت‌گذاری باید توجه داشت که این موضوع همواره موجب چند نرخ شدن کالاها در بازار شده است و اگر بازارها چند نرخ شوند، قطعاً بازار سیاه به وجود می‌آید و در این بازار نیز شفافیت وجود ندارد و احتمالاً ارزش‌ها و قیمت‌ها متفاوت خواهد بود. در این بازار هرکس بتواند تخصیص‌ها را به سمت خود انتقال دهد، منفعت بیشتری به دست خواهد آورد.

اردیبهشت ماه ۹۹ تورم انتظاری بسیار بالا و فراتر از تورم سالانه بوده است. زمانی که تورم انتظاری از تورم سالانه پیشی بگیرد، یعنی مصرف‌کنندگان همچنان انتظار افزایش قیمت داشته و رفتار خود بر آن اساس تنظیم می‌کنند. در حد فاصل دی ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ نیز به دلیل جهش قیمت دلار شاهد افزایش انتظارات تورمی بوده‌ایم که این مهم به خوبی از آن زمان به بعد کاهش پیدا کرده و نکته بسیار امیدوارکننده‌ای برای کاهش مستمر تورم است. تورم انتظاری از اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به بعد بیش از دو برابر از تورم انتظاری در فروردین ماه ۱۴۰۲ کمتر بوده و اختلاف جدی نیز با این متغیر در سال ۱۴۰۱ دارد. کاهش انتظارات تورمی نشان می‌دهد که خانوارها برای ماه‌های آتی انتظار تورمی‌شان کمتر شده و رفتارشان را هم بر همان اساس تنظیم خواهند کرد.

افت محسوس انتظارات تورمی

کاهش تورم در نیمه نخست سال نشأت گرفته از با ثبات شدن نرخ دلار، افزایش فروش نفت و پالس‌های مثبت از مذاکرات و افت انتظارات تورمی است، اما ادامه کاهش قیمت‌ها بسته به عملکرد مقام‌های پولی و مالی دارد که از قبل هماهنگ‌تر و منسجم‌تر شده است. موردی که می‌تواند در این بین قدرت توضیح‌دهندگی مناسبی را از وضعیت قیمت‌ها در کشور داشته باشد، انتظارات تورمی است. انتظارات تورمی متغیری اقتصادی است که جدا از انتظارات عقلایی در باور افراد با توجه به اتفاقات و شرایط تجربه شده، دورنمایی از رشد قیمت‌ها را شکل می‌دهد. بررسی‌های این گزارش روند امیدوارکننده‌ای از افت انتظارات تورمی را نشان می‌دهد. برآوردهای ما نشان می‌دهد که در مقطع اردیبهشت ماه ۹۸ تا

به صورت ماهانه است که اهمیت دارد و اصلاً با آن برخورد روزانه داریم و تورم سالانه هیچ تأثیری در روند زندگی ما نخواهد داشت. بسیاری از اوقات پیش آمده که نرخ تورم سالانه در حال کاهش بوده، اما نرخ ماهانه آن افزایش پیدا کرده است، اتفاقی که در مهر ماه سال ۱۴۰۱ افتاد و نرخ تورم سالانه که رسانه‌ها روی آن تأکید ویژه دارند، کاهش پیدا کرد اما نرخ ماهانه تورم بالاتر رفت. با این اوصاف تورم ماهانه در مرداد ماه ۱۴۰۲ در مقایسه با مرداد ۱۴۰۰ بیش از یک سوم کاهش پیدا کرده که همین مهم احساس کاهش تورم را پیش از پیش به اقتصاد و فعالان اقتصاد تزریق خواهد کرد. این مهم تنها در مرداد ۱۴۰۲ اتفاق نیفتاده و بررسی‌ها نشان می‌دهد که تورم ماهانه از اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به بعد کاهش محسوسی را تجربه کرده و به طور میانگین حدود دو درصد بوده است.

شده و افزایش متوسط قیمت‌ها در ۱۲ ماهه منتهی به تیر ماه هم ۴۵.۲ درصد ثبت شده است. در آخرین آمارها (دولت جدید) اما در مرداد ماه ۱۴۰۲ تورم ماهانه به ۲.۴ درصد، تورم نقطه‌ای به ۳.۹ و تورم سالانه نیز به ۴۶ درصد رسیده است.

طبق تعریفی که مرکز آمار ارائه می‌دهد، تورم سالانه یعنی اینکه خانوارها به طور میانگین ۴۶ درصد بیشتر از مرداد ماه ۱۴۰۱ برای خرید یک مجموعه کالای مشخص هزینه کرده‌اند. این نوع توضیح تورم و انتشار از سوی رسانه‌ها در واقعیت و روی زمین مورد قبول جامعه نیست. مردم در برخورد با قیمت‌ها و سطح عمومی آن مانند یک پلیس برخورد می‌کنند، بطور پلایس سرعت خودروها را به طور میانگین حساب نمی‌کند و سرعت لحظه‌ای آنها را برای جریبه و برخورد مدنظر قرار می‌دهد، مردم نیز همین کار را می‌کنند. بنابراین سرعت قیمت‌ها



افت ۱۵ واحد درصدی رشد نقدینگی از ۴۲ درصد به ۲۶ درصد در مرداد ماه ۱۴۰۲

و رشد اقتصادی ۶.۲ درصدی در بهار ۱۴۰۲ از جمله داده‌هایی است که بهبود وضعیت اقتصادی را تأیید می‌کند

تورم ماهانه، یک سوم کاهش یافت یکی از متغیرهای مهم برای هر دولتی نرخ تورم است و دولت سیزدهم نیز از این مسأله مستثنی نبوده و لزوم کنترل تورم بارها از سوی سید ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم عنوان شده است. آخرین تورم ثبت شده در دولت حسن روحانی مربوط به مرداد ماه سال ۱۴۰۰ است. طبق داده‌های مرکز آمار، نرخ تورم ماهانه مرداد ماه ۱۴۰۰ معادل ۳.۲ درصد بوده که در مقایسه با تیر ماه، ۰.۳ واحد درصد کاهش داشته است. علاوه بر تورم ماهانه، نرخ تورم در مقیاس نقطه‌ای که بیانگر افزایش قیمت‌ها در پایان دو ماه مشابه است، ۴۳.۲ گزارش

